



## The process of validating hadith according to *Shaykh Anṣārī's* view

**Hadi Hemmatiyan** 

(Corresponding author), Seminary and Masters graduate, Al-Mustafa International University

Email: hadavi5@yahoo.com

**Mahdi Hemmatiyan**, Professor, Al-Mustafa International University

### Abstract

This study aims to explain the validation process of *Shaykh Anṣārī* by using a descriptive-analytical method. In every science, the methodology causes a revolution in education and research and creates positive developments. So, it is necessary to clarify the system by which the great jurists such as *Shaykh Anṣārī* authenticated the hadiths. According to *Shaykh Anṣārī's* view, the validation of a hadith is not limited to the evaluation of its *isnad*. Instead, the narration's validity can be changed by the intra-textual indications such as conformity of the hadith content with the intention of the Quran, the tradition, and reason, the excellence of its content, and lack of slang, as well as extra-textual indications including the source of the hadith, the frequency and repetition of its content in several books, and the act of the earlier scholars. In the evaluation of the hadith, he considers both *isnad* and text as well as the intra-textual and extra-textual indications. Each of these three factors may have a clue that compensates the weakness of the hadith and consequently, brings confidence in the issuance of the tradition by the infallible Imam (AS). The introducing and explaining *Shaykh Anṣārī's* model and method of validating the hadiths can be considered as the results of this study.

**Keywords:** Validation of hadith, System of hadith studies, Issuance authenticity, *Shaykh Anṣārī*



سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۹ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۶۳ - ۲۴۵	HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2022.69372.1075">https://doi.org/10.22067/jquran.2022.69372.1075</a>

## فرایند اعتبارسنجی حدیث از منظر شیخ انصاری

هادی همتیان (نویسنده مسئول)

دانش آموخته سطح ۴ حوزه قم و کارشناس ارشد خانواده، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

Email: hadavi5@yahoo.com

دکتر مهدی همتیان

استاد گروه قرآن و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

### چکیده

این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی درصدد تبیین فرایند اعتبارسنجی حدیث انصاری در حدیث است. روش‌شناسی در هر علمی سبب انقلابی آموزشی و پژوهشی و تحولات مثبت در آن علم می‌شود؛ از این رو تبیین نظام حدیث‌شناسی فقیهان بزرگی همچون شیخ انصاری ضروری است. اعتبارسنجی حدیث از نگاه شیخ انصاری منحصر به ارزیابی سند نیست؛ بلکه وجود قرینه‌های درون‌متنی؛ از جمله هماهنگی محتوای حدیث با روح قرآن، سنت و عقل، علو مضمون و مبرابودن آن از رکاکت و قرینه‌های برون‌متنی همچون منبع حدیث، فراوانی و تکرار محتوا در کتب متعدد و عمل پیشینیان می‌تواند سرنوشت حدیث را عوض کند. وی در ارزیابی، به مجموع سند، متن و قرینه‌های درون‌متنی و برون‌متنی توجه می‌کند. هرکدام از این سه مؤلفه می‌تواند حاوی نشانه‌ای باشد که ضعف موجود در سند را جبران کند و سبب اطمینان به صدور روایت از معصوم (ع) شود. دستاورد پژوهش حاضر را می‌توان معرفی و ارائه نظام اعتبارسنجی و روش ارزیابی حدیثی شیخ انصاری دانست.

**واژگان کلیدی:** اعتبارسنجی حدیث، نظام حدیث‌شناسی، توثیق صدور، شیخ انصاری.

## مقدمه

مهمترین جهت و کارکرد حدیث، حکایت‌گری آن از سنت است. درستی حکایت‌گری حدیث، بر اساس فرایندی احراز می‌شود که اصطلاحاً اعتبارسنجی حدیث نامیده می‌شود. کارآمدی حدیث، متوقف بر اصالت‌سنجی و اعتبارسنجی آن است؛ از این رو، بر اساس فرایندی مشخص لازم است سه جنبه صدور، جهت صدور و دلالت حدیث بررسی شود (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۲۰/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۰۰). احادیث متواتر از آن نظر که برای انسان علم‌آوردند، معتبر به شمار می‌آیند، اما شمار راویان در خبر واحد به گونه‌ای نیست که علم‌آور باشد؛ از این رو، خبر واحد برای اینکه معتبر به شمار آید نیازمند ملاک و معیار است (شهید ثانی، ۱/۶۴). در خبر واحد لازم است بر اساس فرایندی، ملاک اعتبار یا عدم اعتبار آن خبر بررسی و اعتبارسنجی شود. مهمترین دلیل در حجیت خبر واحد، سیره عقلاست. دو نظریه و رویکرد اصلی درباره تحلیل سیره عقلائی وجود دارد: رویکرد وثوق‌سندی و رویکرد وثوق‌صدوری. رویکرد وثوق‌سندی بر این باور است که عقلا گزارشی را می‌پذیرند که گزارش‌دهنده/دهندگان آن، ثقه و معتمد باشند و کسی را که به این گزارش بی‌اعتنایی کند مؤاخذه می‌کنند. در این رویکرد، نقطه اتکای اعتبارسنجی حدیث، بر راویان و ویژگی‌های آنان قرار می‌گیرد و قرائن دیگر، مدنظر قرار نمی‌گیرد. محقق خوئی در این باره می‌گوید: «هر خبری از معصوم (ع) حجت به شمار نمی‌آید، تنها اخبار ثقه و حسن حجت است و تشخیص خبر ثقه و حسن تنها با مراجعه به علم رجال و دانستن احوال راویان و تشخیص ثقه و حسن آنها از ضعیفشان است؛ «ان کل خبر عن معصوم لایکون حجة، و انما الحجة هو خصوص خبر الثقة او الحسن. و من الظاهر ان تشخیص ذلك لایکون الا بمراجعة علم الرجال و معرفة احوالهم و تمييز الثقة و الحسن عن الضعیف» (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۲۰/۱). مهمترین ویژگی راوی، وثاقت است. وثاقت به معنای اطمینان و اعتماد است و شرط تحقق آن، ضبط و صداقت است. ویژگی دیگر، صحت مذهب به معنای اعتقاد به امامت دوازده امام، بدون کم‌وزیاد است (شیخ بهائی، ۳۹؛ شبیری، ۵۶). در این رویکرد، روایات به چهار دسته صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم می‌شوند (شیخ بهائی، ۲۵؛ ترابی، ۲۱۴). روایت معتبر در رویکرد وثوق‌سندی، روایتی است که سند صحیح، حسن یا موثق داشته باشد و در مقابل، روایت ضعیف روایتی است که این چنین نباشد. عوامل مختلفی چون افتادگی در سند، سبب ضعف روایت می‌شوند (شیخ بهائی، ۲۵).

در مقابل، رویکرد وثوق‌صدوری است. در این رویکرد، همه قرائن اعم از افزاینده یا کاهنده اعتماد نسبت به خبر در نظر گرفته می‌شود. وثاقت راویان نیز یکی از قرائن به شمار می‌آید (حر عاملی، ۲۴۳/۳۰). موافقان این رویکرد، بر این باورند که با وجود یک راوی ضعیف نمی‌توان روایت را ضعیف

انگاشت؛ زیرا ممکن است از قرینه‌های دیگر، اعتبار روایت ثابت شود. قرینه‌ها و نشانه‌ها تنها در سند خلاصه نمی‌شوند و ذکر نکردن راوی در کتاب‌های رجالی، دلیل ضعف وی نیست. بر اساس این دیدگاه، اعتماد داشتن یا نداشتن به گزارش راویان، موضوع ویژه حدیث نیست، بلکه از قواعد عمومی، عرفی و فراگیر پذیرفتن خبر و گزارش در جامعه بشری پیروی می‌شود. مهمترین شاخص‌های پذیرش خبر در این رویکرد عبارت‌اند از: ۱. اهمیت گزارش و مفاد و مضمون آن؛ ۲. قرائن همراه گزارش اعم از داخلی و خارجی؛ ۳. منبع خبر (گوینده یا گویندگان)؛ ۴. آثار پدیدآمده مبتنی بر پذیرش یا نپذیرفتن گزارش. این رویکرد، مبتنی بر قبول مطلق یا رد مطلق هر خبر و گزارش نیست، بلکه باتوجه به معیارهای مطرح شده، طیفی گسترده و منعطف از اعتماد کامل تا عدم اعتماد را برای گزارش‌ها محتمل می‌کند (طباطبایی، ۱۶۷).

انتخاب یکی از این دو رویکرد و اثبات کارآمدی آن متوقف بر شناخت و ارزیابی اندیشه صاحبان این دو رویکرد است. شیخ انصاری از اندیشمندان برجسته رویکرد توثیق صدور به شمار می‌رود؛ از این رو تبیین فرایند اعتبارسنجی از نظر ایشان به شناخت رویکرد کارآمد در اعتبارسنجی حدیث و درک نقاط ضعف رویکرد دیگر کمک شایانی می‌کند. مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که شیخ انصاری از چه مؤلفه‌هایی و به چه کیفیتی به ارزیابی حدیث می‌پردازد؟ و مراحل اعتبارسنجی حدیث نزد ایشان به چه نحوی است؟

پرداختن به مسئله محل بحث از جهاتی مهم و ضروری است؛ روش‌شناسی در هر علمی سبب انقلابی آموزشی و پژوهشی در آن علم و باعث تحولات مثبت بر پایه داشته‌های قبلی خواهد شد؛ این انقلاب علمی، سنت را بارور و به‌روز و نیازهای فعلی را به‌خوبی برآورده می‌کند. از طرف دیگر، مجموعه ای منظم و کامل برای آموزش اعتبارسنجی حدیث به شکل کاربردی برای دانشجویان فراهم می‌شود. در نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی و به‌وسیله بررسی منابع و اسناد به‌صورت کتابخانه‌ای با رویکردی اجتهادی به مسئله پرداخته می‌شود.

مسئله اعتبارسنجی حدیث از عصر تابعین آغاز شد. اعتبارسنجی حدیث در زمان معصومان(ع)، دریافت درست احادیث و مواظبت در فرایند فهم و انتقال و در نهایت حفظ و مکتوب کردن احادیث ایشان بوده است. اولین تألیف در نیمه قرن اول هجری از کاتب حضرت علی(ع) به نام عبیدالله بن ابی رافع صورت پذیرفت. در قرن دوم و اوائل قرن سوم عبدالله بن جبلة الکنانی و ابن فضال و ابن محبوب در احوال شخصیت‌ها مطالبی تدوین کردند که متأسفانه اثری از آن‌ها باقی نمانده است. آثار مربوط به اعتبارسنجی حدیث از قرن چهارم به بعد همچون رجال کشی امروزه موجودند (سبحانی، ۵۷). اعتبارسنجی در سده‌های نخست پس از غیبت با اطمینان به صدور و محتوا صورت می‌پذیرفت. با وجود قرینه‌های اطمینان

آور در خصوص روایات و نیز نسخه‌های اصلی حدیثی به راحتی راجع به صدور حدیث اطمینان حاصل می‌شد؛ از این رو ملاک اعتبار روایت تا سده ششم هجری، وثوق صدوری برآمده از قرینه‌های ایجابی و سلبی در منابع روایی و از راوی و محتوای روایت بوده است. عالمانی چون سیدمرتضی و ابن‌ادریس نیز با وجود اینکه حجیت خبر واحد را انکار می‌کردند، اعتبار خبر و گزارش محفوف به قرآن را پذیرفته بودند (علم‌الهدی، ۳۱۲؛ سبحانی، ۳۵۸).

در سده هفتم هجری و با تلاش‌های سید احمد بن طاووس و علامه حلی، شیوه اعتبارسنجی روایت، متحول شد. رویکرد جدیدی که همان رویکرد وثوق سندی باشد در مقابل وثوق صدوری معرفی و تقویت شد. ایشان دلیل ارائه رویکرد جدید را کاهش قرائن اثرگذار قدمائی نزد متأخران و نیاز به تأسیس یک ضابطه علمی دقیق، فنی و درخور سنجش و بازخواست برای اعتبارسنجی بیان کردند. با وجود شرایط مزبور، بهترین راهکار، ارزیابی سندی بر اساس وثاقت راویان واقع در سلسله اسناد روایت محسوب می‌شد (شیخ بهائی، ۳۱).

تغییر رویکرد عالمان از معیار وثاقت صدوری به معیار وثاقت سندی سبب آن شد که بسیاری از متون حدیثی پیشین که نزد قدمای اصحاب امامیه، معتبر و صحیح تلقی می‌شدند؛ مثل کتاب تحف العقول بر اساس سنجش با معیار جدید، معتبر شمرده نشوند. رویکرد تمرکز بر سند روایت و وثاقت راوی در آثار عالمانی همچون علامه حلی، شهید ثانی، صاحب معالم و صاحب مدارک نمودی ویژه یافت. اصرار بر شیوه سندمحور و زیاده‌روی در ضعیف‌شمردن بسیاری از حدیث‌های موجود در جوامع حدیثی کهن، به ویژه کتب اربعه به واکنش گروهی از عالمان و پدیدآمدن اخباریان منجر شد. در رویکرد ایشان، اعتمادبخشی کامل به روایات، به ویژه روایات کتب اربعه دیده می‌شود (خونی، معجم رجال الحدیث، ۲۲/۱).

در مرحله بعد، وحید بهبهانی تفکر اخباریگری را برانداخت و دوباره به طرح‌ریزی و تقویت شیوه قدما در اعتباربخشی و اعتمادسازی در خصوص حدیث بر اساس داشته‌های موجود زمانه پرداخت. با وجود از بین رفتن بسیاری از قرائن موجود در کنار روایات در سده‌های آغازین، نیاز به پی‌ریزی ملاک‌ها و معیارهایی برای اعتبارسنجی روایات، امری واضح بود (طباطبایی، ۱۶۸). وحید بهبهانی رویکرد متقدمان را به‌روزرسانی کرد و شیوه‌ای را در اعتبارسنجی حدیث ایجاد کرد که در ادامه شاگردانش همچون شیخ انصاری آن را در نظام فقهت خویش به کار بستند. پس از ایشان، رویکرد وثوق سندی و وثوق صدوری در کنار هم به حیات خود ادامه دادند تا اینکه محقق خونی دوباره به شدت نظریه وثوق سندی را تقویت و اجرایی کرد (معجم رجال الحدیث، ۱۳/۱).

پژوهش مستقلى پيرامون فرايند اعتبارسنجى شيخ انصارى يافت نشد؛ البته در پژوهشى از آقاى ديمه كار و باقرى به برخى موارد از روش حديث‌شناسى شيخ انصارى پرداخته شده، درحالى كه به فرايند اعتبارسنجى و نظام ارزىابى حديثى شيخ اشاره‌اى نشده است. هدف از نوشتار حاضر، تبين مؤلفه‌هاى مهم در اعتبارسنجى حديث و فرايند مرحله‌به‌مرحله آن نزد شيخ انصارى و درنهايت تبين نظام ايشان در ارزىابى حديث است؛ از اين رو، در پژوهش حاضر سعى مى‌شود به دو پرسش پاسخ داده شود: ۱. اجزاي نظام اعتبارسنجى حديث نزد شيخ انصارى کدام‌اند؟ ۲. نظام شيخ انصارى در ارزىابى حديث چگونه است؟ در ادامه، به سؤال اول و سؤال دوم پاسخى مستدل داده خواهد شد تا در پرتو اين پاسخ‌ها، فرايند اعتبارسنجى حديث با رويکرد شيخ انصارى مشخص شود.

## ۱. اجزاي اعتبارسنجى حديث در رويکرد شيخ انصارى

شيخ انصارى در اعتبارسنجى حديث از چه مؤلفه‌هاى استفاده مى‌كند؟ شناخت و تبين مؤلفه‌هاى اصلى در ارزىابى حديثى شيخ انصارى، نقش مهمى در تبين فرايند اعتبارسنجى حديثى ايشان ايفا مى‌كند؛ از اين رو، در ادامه به مؤلفه‌هاى پرداخته مى‌شود كه مدنظر شيخ انصارى در ارزىابى حديث است.

### ۱.۱. قرينه‌هاى داخلى

قرينه‌هاى داخلى مربوط به بدنه حديث اعم از سند و متن مى‌شود. در ادامه قرينه‌هاى مربوط به سند و متن بررسى مى‌شود.

أ. قرينه‌هاى مربوط به سند: شيخ انصارى در اولين گام، به وضعيت سند حديث و نشانه‌ها و قرينه‌هاى موجود در سند توجه مى‌كند و مراحلى را مى‌گذراند كه عبارت‌اند از:

مرحله اول، تشخيص سند از نظر اتصال يا انفصال و رفع ابهام از سند: با دقت در اولين سخنان شيخ انصارى در ارزىابى احاديث در فقه دانسته مى‌شود كه ايشان ابتدا با استفاده از دانش طبقات راويان به تشخيص اتصال يا انفصال سند مى‌پردازد و مسند يا مرسله بودن حديث را مشخص مى‌كند (انصارى، احكام الخلل، ۲۰۲؛ همو، رساله فى المواريث، ۱/۱۰۰). در ادامه سعى مى‌كند در صورت وجود تعليق، تحويل و ابهام ناشى از ضمير و تذييل با استفاده از قرينه‌ها، مشكل سند را حل كند؛ البته ممكن است هيچ قرينه‌اى براى حل مشكل سند نيابد و روايت را كنار بگذارد (همو، احكام الخلل، ۵۶). در پايان اين مرحله، تكليف سند از نظر سلسله راويان و خالى بودن از ابهام مشخص مى‌شود (شيخ بهائى، ۸۴)؛ به طور نمونه ايشان در مسئله شك در ركعات نماز دوركعتى به حديث بقباق استناد مى‌كند و چنين مى‌گويد: «اضمار روايت، ضررى نمى‌رساند؛ زيرا ظاهر اين است كه بقباق از غير معصوم روايت نمى‌كند. همچنين بزرگانى مانند حسين بن سعيد و حماد روايت او را نقل مى‌كنند و از آنجا كه بقباق غالباً از امام صادق (ع)

حدیث نقل می‌کند، مراد از ضمیر در «قال لی» دانسته می‌شود» (انصاری، احکام الخلل، ۵۶). مرحله دوم، ارزیابی سند از نظر تصحیف یا تحریف و وجود اشتراک و اختلاف: پس از تشخیص سند، نوبت به تنقیح سند می‌رسد. شیخ انصاری در این مرحله در صورت وجود اشتراک، اختلاف و تصحیف، به تمییز مشترکات و توحید مختلفات و برطرف کردن تصحیف یا تحریف می‌پردازد (همو، کتاب الطهارة، ۲۳۷/۱؛ همو، احکام الخلل، ۵۶ و ۶۲؛ همو، رساله فی الرضاع، ۴۴۱). در سند برخی روایات، عناوینی یافت می‌شود که ظرفیت اطلاق بر چند نفر از راویان را دارد؛ به این عناوین، مشترکات می‌گویند. بحث از مشترکات و تعیین مراد از آن‌ها در بسیاری از مباحث رجالی مؤثر است؛ مخصوصاً زمانی که عنوان بین ثقه و غیرثقه مردد باشد (شیخ بهائی، ۸۴)؛ به طور مثال در سندی، یونس مردد باشد بین یونس بن عبدالرحمن و یونس بن یعقوب که هر دو ثقه هستند و بین یونس بن ظبیان که ضعیف است؛ از این رو، تعیین مراد، اثر بزرگی در صحت یا ضعف سند دارد.

عامل اساسی در پدید آمدن اشتراک، اختصار به دلیل اعتماد بر اسناد سابق است؛ از این رو، بهترین کار برای حل اشتراک عناوین، رجوع به مصادر اصلی است و در صورتی که مصادر اصلی موجود نباشند رجوع به سایر روایات باب، حتی روایات متأخر توصیه می‌شود. در فرضی که به وسیله روایات باب مشکل حل نشود، آنگاه به اسناد مشابه برای یافتن قرینه معینه رجوع می‌شود. مهم در تمییز مشترکات، دقت در طبقه روایان است؛ بنابراین، برای تمییز مشترکات، ملاحظه طبقه، ملاحظه راوی و مروی عنه برای عنوان مشترک و ارتباط سندی بین راویان از عوامل مؤثر به شمار می‌روند (شیری، ۶۵ تا ۷۲)؛ برای نمونه، شیخ انصاری در حدیث محمد بن قیس از امام باقر (ع)، مشکل اشتراک محمد بن قیس بین ثقه و ضعیف را با قرائنی بر طرف می‌کند؛ از جمله اینکه شیخ طوسی آن را از کتب بنو فضال نقل کرده است (انصاری، رساله فی الرضاع، ۴۴۱) و راجع به روایت صحیح از صفوان می‌گوید: در سند روایت هیچ مشکلی نیست، مگر اشتراک محمد بن عبدالله؛ ولی از آنجا که صفوان از اصحاب اجماع و «لایروی عن ثقه» است، مشکل بر طرف می‌شود (همو، کتاب الصلاة، ۵۷۹/۲).

شناخت تحریف‌ها و راه‌های رسیدن به اصل سند همچون تمییز اشتراک در تنقیح سند مهم است. شیخ انصاری در بحث غسل جنابت با مطرح کردن فرض تصحیف «منها» از «فیها» در روایت ابو بصیر، ظهور آن را در ترتیبی انجام دادن غسل جنابت نمی‌پذیرد (کتاب الطهارة، ۲۳۷/۱ و ۵۹/۳). در روایت فضیل نیز بعد از تضعیف محمد بن سنان می‌گوید: بعید نیست که زیادت «ثم ترضع عشر رضعات» از تحریفات وی باشد؛ زیرا این بخش در کتاب الفقیه شیخ صدوق نیامده است (کتاب النکاح، ۳۱۰).

مرحله سوم، ارزیابی روایان حدیث از نظر وثاقت: در مرحله سوم باتوجه به وجود توثیقات خاص و عام

یا تضعیف نسبت به راویان، احوال ایشان بررسی می‌شود. از دیدگاه شیخ انصاری عوامل گوناگونی بر پدید آمدن وثوق صدوری و افزایش اعتبار حدیث، اثرگذارند؛ ولی راویان و سلسله اسناد در پدید آمدن وثوق نزد وی نقش مهمی دارند (حر عاملی، ۲۴۳/۳۰). به سخن دیگر، ویژگی راوی نقش محوری در اعتمادافزایی به حدیث دارد؛ البته شهرت، تخصص و مهارت راوی، سبب اعتماد بیشتری در خصوص صدور حدیث از معصوم (ع) می‌شود (طباطبایی، ۱۷۰). اطمینان به راوی گاهی از تصریح یا ظاهر سخن معصوم (ع) یا خبرگان رجالی به دست می‌آید که اصطلاحاً توثیق خاص نامیده می‌شود و گاهی از ضابطه های کلی به دست می‌آید که توثیق عام گفته می‌شود (شیرازی، ۵۷).

توثیقات خاص: شیخ انصاری در ارزیابی حدیث توجه ویژه‌ای به توثیقات خاص دارد (کتاب الصلاة، ۷۱/۱؛ رساله فی المواریث، ۱۷۹). ایشان در کتاب طهارت راجع به روایت بکر بن حبیب (کلینی، ۱۴/۳) می‌گوید: «و لیس فی سنده سوی «ابن حبیب» المرمری فی المدارک بالجهالة لکن الظاهر أنه «بکر بن محمد بن حبیب» الّذی ظاهر المحکی عن النجاشی و صریح الخلاصة أنه من علماء الامامية، و حکمی ابن داود عن الكشي أنه ثقة»؛ در سند روایت مشکلی نیست، مگر ابن حبیب که صاحب مدارک او را به دلیل مجهول بودن طرد کرده است. اما ظاهر آن است که ابن حبیب همان بکر بن محمد باشد که از سوی نجاشی و علامه حلی و کشتی مورد توثیق قرار گرفته است» (انصاری، کتاب الطهارة، ۱۰۰/۱). همچنین درباره روایت عباد بن صهیب (کلینی، ۵۴۷/۳) به توثیق نجاشی نسبت به او توجه می‌دهد (انصاری، رساله فی المواریث، ۲۰۲). ایشان در کتاب صلاة نیز در بحث از سند روایت عبید بن زرارة (حر عاملی، ۱۵۷/۴) می‌گوید: «و لیس فی سند هذه الرواية من يتوقف فی شأنه سوی الضحاک بن زید، و الظاهر أنه ابومالک الحضرمی الّذی حکمی فیہ عن النجاشی أنه ثقة ثقة»؛ فردی در سند روایت نیست که در مقام شک باشد به جز ضحاک بن زید، البته ظاهر این است که او ابومالک حضرمی باشد که نجاشی در ترجمه اش گفته است: ثقة، ثقة (انصاری، کتاب الصلاة، ۴۶/۱).

توثیقات عام: توثیقات عام نزد شیخ انصاری در فرایند اعتبارسنجی حدیث، پر استفاده هستند. در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

اصحاب اجماع: اصحاب اجماع، یک گروه ویژه هجده نفره از راویان حدیثی هستند که نزد عالمان شیعه، شاخص به شمار می‌روند و اعتبار خاصی دارند (حر عاملی، ۲۲۱/۳۰؛ انصاری، احکام الخلل، ۹۶). از سخنانی که شیخ طوسی از کشتی نقل کرده است، دانسته می‌شود که اصحاب اجماع علاوه بر محدث بودن، فقیهانی زبردست بوده‌اند که بر جداسازی روایات صحیح از جعلی توانایی داشتند و مرجع شیعیان در رفع شبهات بوده و از هر کذب و جعلی منزّه بوده‌اند (طوسی، اختیار، ۲۳۸ و ۳۷۵ و ۵۵۶).



در رویکرد رجالی شیخ انصاری اگر سند روایتی تا اصحاب اجماع صحیح باشد، افراد پیش از او محل تحقیق قرار نخواهند گرفت و روایت صحیح است؛ بنابراین مراسیل، مسانید و مرفوعات اصحاب اجماع همه از نظر اعتبار یکسان خواهند بود (طوسی، ۳۰؛ انصاری، کتاب الخمس، ۳۰۴). ایشان در فقه در موارد زیادی با استفاده از نقل اصحاب اجماع، ضعف روایت را برطرف می‌کند (کتاب الطهارة، ۸۳/۱؛ کتاب النکاح، ۳۱۱). او در بحث از حجیت خبر واحد چنین می‌گوید: «اصحاب به روایتی که به قرینه‌ها و نشانه‌ها تکیه کرده و تقویت شده باشد، عمل کرده‌اند؛ از جمله قرینه‌ها و نشانه‌ها سخن کسّی است: «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن جماعة». منظور از تصحیح آن است که خبر این گروه درست است و به آن عمل می‌شود (همو، فراند، ۱۵۸/۱).

شیخ انصاری در اعتبارسنجی حدیث از این قرینه زیاد استفاده می‌کند؛ برای نمونه در استناد به روایت ابی بصیر (کلینی، ۳۵۵/۳) می‌گوید: «و أما اشتراک «ابی بصیر» فلا یضر بعد کون الراوی عنه «ابان بن عثمان» الذی اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنه»؛ اما اشتراک ابی بصیر ضرری به حجیت روایت نمی‌زند، زیرا ابان بن عثمان که از اصحاب اجماع است از او حدیث را نقل کرده است (انصاری، احکام الخلل، ۶۲) و در استناد به روایت موثق بصری (طوسی، تهذیب، ۱۵۱/۲) به دلیل روایت ابان بن عثمان و نقل بزندی به این نکته می‌پردازد که هر دو از اصحاب اجماع‌اند و روایتشان صحیح است (انصاری، احکام الخلل، ۹۶). همچنین در روایت ابن مسلم (طوسی، تهذیب، ۳۴۴/۲) به نقل ابن بکیر و صفوان که از اصحاب اجماع‌اند اشاره کرده و این روایت را بر دو روایت صحیح ترجیح داده است (انصاری، احکام الخلل، ۱۰۰). در جای دیگر به مرسله یونس عمل می‌کند (طوسی، تهذیب، ۱۰۵/۱)، به دلیل اینکه از اصحاب اجماع است (انصاری، کتاب الطهارة، ۱۳/۳).

مشایخ الثقات: توثیق مشایخ ثقات در اصطلاح رجالی، همان توثیق اساتید روایی بی‌واسطه یا باواسطه سه فقیه از فقهای اصحاب اجماع سوم است؛ یعنی محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی (ترابی، ۱۲۵). شیخ انصاری بر وثاقت اساتید این سه نفر از عالمان تصریح می‌کند و به شهادت بزرگانی چون نجاشی و شیخ طوسی استناد کرده است: «الذین عرفوا بأنهم لایروون و لایرسلون الا عمن یوثق به»، این عالمان تنها از کسانی نقل حدیث می‌کنند که مورد اطمینان باشند از این رو آن‌ها نیز توثیق می‌شوند (همو، کتاب الصلاة، ۳۳۶/۱).

شیخ انصاری در روایتی که از طریق موسی بن بکیر واقفی نقل شده، می‌گوید: «ظاهر، ثقه بودن اوست زیرا صفوان از او حدیث نقل کرده است» (رسالة فی الموارث، ۱۷۹). ایشان در روایت علاء بن فضیل، ضعف سند را در محمد بن سنان دانسته است، اما باتوجه به قرآنی همچون نقل صفوان و روایت اجلاء آن را

برطرف کرده است؛ «... مثل روایة الاجلاء عنه، خصوصاً صفوان الذی لایروی الا عن ثقة» (کتاب الطهارة، ۸۳/۱).

همچنین برخی دیگر از بزرگان امامیه همچون احمد بن محمد بن عیسی اشعری، بنو فضال و جعفر بن بشیر بجلی از آن جمله هستند؛ بر این اساس اساتیدشان توثیق می‌شوند (سبحانی، ۲۷۳). شیخ انصاری در استناد به روایتی که شیخ طوسی در تهذیب آورده، چنین می‌نویسد: «در سند، به جز داود الصرمی مسئله ای نیست. البته جهل به صرمی با وجود نقل احمد بن محمد بن عیسی از او بی‌ضرر است؛ به دلیل آنکه احمد بن عیسی کسانی که روایت ضعیف نقل می‌کردند، مثل برقی و سهل بن زیاد را از قم اخراج کرد. با وجود این رویه چگونه راضی می‌شود خودش از غیرثقه حدیث نقل کند؟» (کتاب الصلاة، ۸۳/۱). در بحث وقت نماز ظهر نیز به روایت داود بن فرقد استناد می‌کند و چنین می‌گوید: «وهذه الروایة وإن كانت مرسله إلا أنّ سندها الى الحسن بن فضال صحیح، و بنو فضال ممن امر بالاخذ بكتبهم و رواياتهم»؛ این روایت اگر چه مرسله است اما در سندش تا حسن بن فضال صحیح است (و از حسن تا امام هم نیازی به بررسی ندارد)، زیرا نسبت به استفاده از روایات و کتاب‌هایشان امر شده است؛ از امام عسگری (ع) در شأن علی بن فضال و پدرش و برادرانش و کتاب‌هایشان چنین آمده که «خذوا ما رووا و ذروا ما رواوا؛ آنچه روایت کردند، بگیرید و رأی‌شان را رها کنید (رسالة فی التحریم من جهة المصاهرة: ۴۴۱؛ کتاب الصلاة، ۳۶/۱). در جای دیگر در استناد به حدیث جابر جعفی می‌گوید: در سند روایت کسانی هستند که سند را از حد اعتبار خارج می‌کنند؛ ولی اعتماد قمی‌ها و نقل این روایت از آن‌ها با وجود شناختی که از حساسیت و دقت آن‌ها در نقل حدیث وجود دارد، فی الجمله ضعف سند را جبران می‌کند (کتاب المكاسب، ۲/۲۴۵). مرحله چهارم، بررسی قرائن برای تعدیل یا تقویت سند: در مرحله چهارم، قرینه‌ها و نشانه‌ها به منظور تعدیل یا تقویت نقاط ضعف راویان مدنظر قرار می‌گیرند. پس از گذراندن مراحل سه‌گانه قبلی، روایت به یکی از عناوین صحیح یا ضعیف متصف می‌شود. صحت سند بعد از بررسی نبود مانع، قرینه محکمی برای ایجاد اطمینان نزد شیخ انصاری است. شایان ذکر است که اعراض مشهور در عمل به حدیث یا وجود روایت متعارض از جمله اموری است که می‌تواند جلوی ایجاد اطمینان را بگیرد. در مقابل، ضعف سند حدیث سبب نمی‌شود که شیخ انصاری آن را کنار بگذارد، بلکه ایشان به دنبال قرینه‌ها و نشانه‌هایی که روایت را احاطه کرده‌اند می‌رود؛ اگر نشانه‌ای بر ایجاد اطمینان راجع به تعدیل نقاط ضعف سند پیدا شد به آن عمل می‌کند و در غیر این صورت، روایت را کنار می‌گذارد (انصاری، رسالة فی الوصایا، ۷۹). در ادامه، به قرینه‌ها و نشانه‌های مربوط به متن حدیث و در نهایت قرینه‌های خارجی می‌پردازیم.

### ۱.۱.۱. فرینه‌های مربوط به متن

هماهنگی محتوای حدیث با روح قرآن و سنت، علو مضامین و پیرایگی از الفاظ و محتوای ناشایست قرینه‌های محکمی بر صدور آن از سوی معصوم (ع) است (طباطبایی، ۱۷۱). شیخ انصاری در اعتبارسنجی حدیث، توجه ویژه‌ای به مضمون آن دارد و مؤلفه‌هایی همچون موافقت محتوا با قرآن، سنت قطعی و عقل را در متن حدیث بررسی می‌کند (رسالة فی الرضاع، ۳۶۶).

#### أ. موافقت محتوای حدیث با قرآن و سنت قطعی

موافقت حدیث با قرآن کریم یکی از قرینه‌های مهم نزد شیخ انصاری در رسیدن به اطمینان راجع به صدور حدیث از معصوم (ع) است و نقش مهمی در نظام ارزیابی او در جبران ضعف سند حدیث ایفا می‌کند (همو، کتاب النکاح، ۳۰۶ و ۳۱۱)؛ برای نمونه، ایشان در روایت ابن سوقه (حر عاملی، ۳۷۴/۲۰) به ضعف عمار ساباطی از نظر مذهب اشاره می‌کند، ولی با استفاده از قرائنی از جمله موافقت روایت مذکور با قرآن کریم به آن عمل می‌کند (انصاری، رسالة فی الرضاع، ۳۶۶) و در جای دیگر می‌گوید: «و ضعف السند لو سلم منجر بموافقة الكتاب و فتوی الاصحاح»؛ و ضعف سند اگر پذیرفته شود به سبب موافقت با قرآن و فتوای اصحاب جبران می‌شود (همو، کتاب الطهارة، ۲۰۸/۴).

شیخ انصاری در مواردی نیز ضعف سند را به دلیل موافقت با مضمون روایات پذیرفته‌شده برطرف می‌کند؛ برای نمونه، در جایی که خواندن سوره حمد در قرائت فراموش شده، به دو روایت سماعه و ابی بصیر استناد می‌کند و ضعف سند در آن دو را به دلیل موافقت مضمون با اطلاق روایات دیگر برطرف می‌کند؛ «و ضعف السند مجبور بموافقة مضمونه لاطلاقات الامر بالقراءة و عدم صلاة الآ بفاتحة الكتاب» (احکام الخلل فی الصلاة، ۷۷ و ۷۹).

#### ب. موافقت محتوای حدیث با عقل

جایگاه عقل در نظام اجتهادی شیخ انصاری بسیار حائز اهمیت است (انصاری، فرائد، ۱۸/۱). دلیل عقل در اعتبارسنجی حدیث نزد شیخ انصاری بر دلیل نقلی مقدم است. ایشان در این باره می‌نویسد: «کلما حصل القطع من دلیل عقلی فلا يجوز أن يعارضه دلیل نقلی»؛ هر زمانی که قطع از دلیل عقلی حاصل شد دیگر دلیل نقلی نمی‌تواند در مقابلش بایستد (همان، ۱۸/۱). ایشان در مواردی روایت را به دلیل مخالفت با حکم عقل، ضعیف دانسته و کنار گذاشته است؛ برای نمونه، روایات دال بر سهو النبی را به دلیل مخالفت با عقل قطعی، کنار می‌گذارد (رسائل، ۳۲۲).

#### ج. حدیث شاذ نباشد.

به خبری که راوی آن ثقه ولی مضمون آن برخلاف مضمون روایت مشهور باشد، خبر شاذ گفته می‌شود

(ترابی، ۲۱۶). شاذ بودن یکی از ملاک‌های ضعف حدیث نزد شیخ انصاری است (انصاری، کتاب الصلاة، ۷۹/۱ و ۳۰۲؛ ۴۲/۳). ایشان روایتی را که صدوق در امالی نقل می‌کند به دلیل مخالفت با روایت صحیح بزنطی شاذ می‌داند (کتاب الخمس، ۱۳۴) و نیز روایت ابن حمزه را به دلیل مخالفت با اخبار فراوان شاذ می‌داند (کتاب الزکاة، ۹). همچنین روایت سکونی (کلینی، ۴۳۶/۵) را به سبب اینکه در مقابل صحیح عبدالرحمن بن حجاج (کلینی، ۴۳۶/۵) قرار گرفته، شاذ و استنادناپذیر دانسته است (انصاری، رساله فی التحريم من جهة المصاهرة، ۴۱۵).

### ۲.۱. قرینه‌های خارجی

شیخ بهائی در مشرق الشمسین حدیث صحیح از نظر قدما را چنین تبیین می‌کند: «كان المتعارف بينهم اطلاق الصحيح على كل حديث اعتضد بما يقتضى اعتمادهم عليه، او اقترن بما يوجب الوثوق به و الزكون اليه»؛ متعارف، بین قدما چنین بوده که هر حدیثی پشتوانه‌اش اموری باشد که سبب جلب اعتماد شود یا همراه باشد با قرینه‌هایی که سبب اطمینان و اعتماد بر آن شوند، صحیح می‌گفتند (۲۶). ایشان در ادامه قرینه‌های تقویت حدیث که سبب اطمینان می‌شوند را بیان کرده است. بعد از شیخ بهائی، شیخ حر عاملی در خاتمه کتاب گران سنگ و سائل الشیعه به بیان قرائن معتبر بر اعتبار حدیث می‌پردازد (۲۴۱/۳۰). باتوجه به نظام اعتبارسنجی شیخ انصاری در ارزیابی حدیث که ادامه شیوه قدما، شیخ بهائی و شیخ حر عاملی است به مهمترین مؤلفه‌ها و نشانه‌های بیرون از متن حدیث که سبب تقویت آن می‌شوند می‌پردازیم.

#### ۱.۲.۱. منبع حدیث

منبع حدیث از نظر قدمت، شهرت، مقبولیت و ضابط بودن مؤلف مدنظر عالمان حدیث‌شناس قرار می‌گیرد. بخشی از نظام حدیث‌شناسی شیخ انصاری را نشانه‌های مربوط به منبع حدیث شکل می‌دهند. هم‌عصر بودن یا نزدیک تر بودن به زمان صدور سنت؛ همچنین شهرت و مقبولیت کتاب نزد عالمان حدیثی و اندک بودن روایات ناشناخته و نامأنوس، سبب اعتماد بیشتر به آن کتاب خواهد بود (طباطبایی، ۱۷۰)؛ از این رو، در رویکرد رجالی شیخ انصاری توجه ویژه‌ای راجع به جوامع روایی اصلی دیده می‌شود و یکی از قرینه‌های پربهره برای اطمینان به صدور روایت از معصوم است، همچنان که شیخ حر عاملی روایتگری از کتاب‌های اصلی حدیثی را مهم می‌داند: «یکی از قرینه‌های معتبر در ایجاد اطمینان این است که حدیث در کتاب‌های اصلی روایی که مورد اجماع هستند یا در کتاب یکی از بزرگان حدیث باشد» (۲۴۴/۳۰). بر این اساس، آمدن حدیث در کتاب‌های چهارگانه؛ از جمله کافی، تهذیب، استبصار و کتاب من لایحضره الفقیه، قرینه و نشانه مهمی بر درستی و اعتبار روایت در نظر شیخ انصاری است، هر چند در سند

روایت ضعیفی وجود داشته باشد. شیخ انصاری از این قرینه بسیار استفاده می‌کند و در موارد متعدد بر اینکه حدیث از مشایخ ثلاثه نقل شده است، تمرکز می‌کند (الاجتهاد، ۲۶۳؛ رسالة فی التحريم من جهة المصاهرة، ۴۲۰؛ رسالة فی الموارث، ۲۱۵؛ رسالة فی الوصایا، ۷۹؛ کتاب الخمس، ۱۰۷). برای مثال، در استناد به حدیث مرسلی (ابن بابویه، الفقیه، ۴/۲۲۴) چنین می‌نویسد: «و ما عن المشایخ الثلاثة عن ابان عن رجل»؛ و آنچه از شیخ صدوق، طوسی و کلینی از ابان از فردی نقل شده است؛ بدین معنا که ابهام رجل با وجود نقل مشایخ ثلاث بی‌ضرر است (انصاری، رسالة فی الموارث، ۲۱۵).

#### ۱.۲.۲. نقل بزرگان مورد اعتماد

شیخ انصاری، روایت بزرگان مورد اعتماد از یک راوی را نشانه‌ای بر وثاقت او و جابر ضعف سند می‌داند. ایشان در مسئله وقت نماز عصر، روایت عبید بن زراره از امام صادق (ع) را بیان می‌کند و درباره سند آن می‌گوید: «در سند حدیث مسئله‌ای به جز قاسم بن عروة نیست. او توثیق خاص ندارد، اما چون گروهی از بزرگان؛ از جمله حسین بن سعید، برقی، و عباس بن معروف از او نقل حدیث می‌کنند، حدیث به صحت نزدیک می‌شود و این نشانه‌ای بر وثاقت اوست (کتاب الصلاة، ۴۷/۱). همچنین در موردی، روایت محمد بن مسلم را به دلیل نقل بزرگانی همچون جمیل بن دراج و علاء بن رزین بر روایت متعارض ترجیح می‌دهد و چنین استدلال می‌کند: «فالانصاف أن روایات محمد بن مسلم الصحیحة عنه بروایة الاجلاء الثقات مثل جمیل بن دراج و العلاء بن رزین لایحصل الوهن فی صدورها بمجرّد ورود روایتین او ثلاث ظاهرة فی خلافها»؛ انصاف این است که با وجود نقل بزرگانی همچون جمیل بن دراج و علاء بن رزین به مجرد وجود دو یا سه روایتی که در ظاهر مخالف‌اند، در صدور روایت شکی پیش نمی‌آید (کتاب الصلاة، ۵۸۶/۲).

#### ۱.۲.۳. فراوانی و تکرار محتوای حدیث در کتب متعدد

فراوانی و تکرار محتوا در روایات متفاوت و با تقریرها و بیان‌های گوناگون، سبب استفاضه مضمونی و افزایش اطمینان می‌شود (انصاری، رسائل، ۳۲۱). شیخ انصاری در موارد فراوانی از هم‌مضمونی با روایات پذیرفته شده در تقویت روایتی بهره می‌برد؛ برای نمونه، در کتاب موارث چنین می‌نویسد: «هم‌مضمون این روایت، روایت موثقی است که ثقة الاسلام کلینی و شیخ طوسی از ابن حجاج از امام کاظم (ع) نقل می‌کنند؛ و فی معناها ما عن ثقة الاسلام و الشیخ فی الموثق عن ابن الحجاج عن ابی الحسن (ع) ...» (رسالة فی الموارث، ۲۱۲) و نیز در کتاب صلاة به موثقه جمیل بن دراج استناد می‌کند و چنین می‌نویسد: «و بمضمونها اخبار كثيرة اخر، مثل روایة محمد بن عیس»؛ هم‌مضمون روایت جمیل، روایات دیگری مثل روایت بن عیسی وجود دارد (کتاب الصلاة، ۹۵/۱ و ۳۱۳؛ رسائل، ۹۱؛ احکام الخلل، ۵۷).

#### ۴.۲.۱. ذکر روایت با چند سند در یک کتاب

اگر روایتی در یکی از منابع حدیثی با چند سند از معصوم نقل شود، همین کثرت نقل، دلیل اعتبار روایت خواهد بود. برای نمونه، شیخ انصاری در استناد به روایت مرسله فقیه (ابن بایویه، الفقیه، ۴/۴۲۰) در بحث ولایت فقیه تصریح می‌کند که روایت در کتاب عیون اخبار الرضا با سه طریق آمده است (همو، عیون، ۲/۲۵).

#### ۵.۲.۱. عمل پیشینیان از اصحاب و فقیهان متقدم

عمل اصحاب ائمه (ع) یا فقیهان متقدم به حدیثی سبب اطمینان به صدور آن از معصوم (ع) و جابر ضعف سند می‌شود. شیخ انصاری در ارزیابی حدیث در موارد متعدد به عمل اصحاب راجع به محتوای آن توجه می‌کند (کتاب الطهارة، ۱/۳۵۶). ایشان در مسئله مربوط به خلل و نقصان در نماز می‌نویسد: «روایت مرسله به دلیل عمل مشهور کمتر از روایت صحیح بنظری نیست» (احکام الخلل، ۷۰). در کتاب الطهارة نیز ضعف روایت علی بن ابی حمزه بطائنی (طوسی، تهذیب، ۱/۲۳۵) را با عمل ابن ادریس به آن جبران کرده است (۱/۲۲۹).

چنان‌که بیان شد ایشان در موارد متعددی از جمله روایت ابی بصیر، شهرت عملی را جابر ضعف سند می‌داند (انصاری، کتاب الزکاة، ۳۰). در کتاب الخمس با استناد به روایت عمار بن مروان چنین می‌نویسد: «أن رواية ابن مروان كافية في المسئلة، سيما بعد الاعتضاد، بما عرفت من الشهرة والاجماع المحكي»؛ در مسئله، روایت ابن مروان بعد از تقویت به وسیله شهرت عملی و اجماع منقول، کافی است (۱۰۸).

#### ۶.۲.۱. مدرسه حدیثی

در نظر عالمان رجالی، مدرسه حدیثی در افزایش یا کاهش اعتماد به روایت تأثیرگذار است. هریک از مدارس حدیثی؛ مثل کوفه، قم، بغداد و حلّه ویژگی‌های خاص خود را دارند که سبب افزایش یا کاهش اعتماد به منابع حدیثی و روایات آن‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۷۰). شیخ انصاری به روایات مشایخ قم توجه خاصی دارد و آن را سبب توثیق و درستی کسی که از او روایت می‌کند، می‌داند؛ برای نمونه درباره حدیث جابر جعفی چنین می‌نویسد: «در سند روایت، کسانی هستند که آن را بی اعتبار می‌کنند، ولی از آنجا که بزرگان قمی بر این روایت و روایانش اعتماد کرده‌اند و با وجود شناختی که از بزرگان قم در دست است، به گونه‌ای که روایتی را که راوی آن ضعیف باشد در کتاب‌هایشان نقل نمی‌کنند مگر اینکه به طور کامل مطمئن شوند، حدیث مورد اعتماد می‌شود؛ و فی سند الروایة جماعة تخرجها عن حد الاعتبار، إلا أن اعتماد القميين علیها و روایتهم لها، مع ما عرف من حالهم لمن تتبعها من آتیم لایخرجون فی کتبهم روایة فی راوی‌ها ضعف إلا بعد احتفافها بما یوجب الاعتماد علیها، جابر لضعفها فی الجملة» (کتاب المکاسب،

## ۲. نظام شیخ انصاری در ارزیابی حدیث

با مطالعه موردی (case study)، راجع به موضوعات فقهی محل استناد به حدیث، می‌توان نظام علمی شیخ انصاری را در عمل به حدیث تبیین کرد. منظور از نظام، اصطلاح معادل با سیستم در زبان انگلیسی است. سیستم، کل سازمان‌یافته‌ای است که از اجزای به‌هم پیوسته و دارای تعامل باهم، به‌منظور رسیدن به هدف خاصی تشکیل شده است؛ عملکرد هر یک از اجزا، به‌وسیله هدف اصلی سیستم تعیین می‌شود و این هدف از طریق به‌اجرا درآمدن فرایندهایی تحقق می‌یابد (همتیان، ۲۴).

با نگاه نظام‌مند (سیستماتیک) به عملکرد شیخ انصاری می‌توان به‌نحو شایسته، فرایند دقیق و ضابطه‌مند حدیث‌شناسی او را شناخت. نظام اعتبارسنجی حدیث نزد شیخ انصاری از دو نظر بررسی می‌شود: یکی اجزای تشکیل‌دهنده نظام و دیگری کیفیت ارتباط بین اجزاست.

اجزای حدیث‌شناسی شیخ انصاری شامل مبانی رجالی، قرینه‌های درون‌متنی و قرینه‌های برون‌متنی می‌شود. مبانی رجالی، گزاره‌هایی است که در علم رجال و درایه بررسی می‌شود. مباحث مربوط به راویان، تشخیص و تنقیح سند و نیز مباحث مربوط به معنای حدیث و سایر قرینه‌های درون‌متنی و برون‌متنی، اجزای اصلی حدیث‌شناسی شیخ انصاری را شکل می‌دهند. در این نوشتار تاکنون به بررسی اجزا و مؤلفه‌های نظام حدیث‌شناسی شیخ پرداخته شد و از اینجا به بعد سعی می‌شود کیفیت ارتباط بین اجزا تبیین شود.

جهت دوم در نظام حدیث‌شناسی شیخ انصاری کیفیت ارتباط بین اجزاست. کیفیت ارتباط بین اجزا، همان فرایند ارزیابی حدیث است که بر اساس چگونگی استفاده از مؤلفه‌ها و چگونگی مراحل و گام‌های برداشته‌شده مشخص می‌شود. نحوه شروع و پایان، نحوه استفاده از اجزا و کیفیت جمع‌بندی بین اجزا، جهت دوم در نظام حدیث‌شناسی را مشخص می‌کند. با شناخت این فرایند می‌توان روش اعتبارسنجی شیخ انصاری را تبیین کرد. بدون تردید، شیخ انصاری از اساتید صاحب‌سبک در دانش روش اجتهاد و فقهات دینی است؛ از این رو، کشف روش اجتهادی وی در اعتبارسنجی حدیث بسیار حائز اهمیت است. در نظام حدیث‌شناسی شیخ انصاری، اعتبار حدیث، متوقف بر خالی بودن سند از ضعف‌ها نیست؛ بلکه نشانه‌های درون‌متنی و برون‌متنی نیز به‌اندازه سند، در حجیت حدیث مؤثرند. ایشان بامهارت و آفری که در علوم عقلی، نقلی، رجال و درایه دارد به کشف ویژگی‌های مثبت و منفی در سند و متن روایت می‌پردازد و تلاش می‌کند با توجه به نشانه‌های داخلی و خارجی از مجموع سند و متن، راجع به حجیت یا عدم حجیت حدیث به اطمینان برسد (انصاری، کتاب الطهارة، ۱/۱۰۰؛ کتاب الصلاة، ۱/۲۴۱).

با دقت در سخنان شیخ انصاری در ارزیابی احادیث در فقه دانسته می‌شود که ایشان در اعتبارسنجی حدیث، فرایند مشخصی را طی می‌کند. وی در گام اول به ارزیابی سندی و به‌دست‌آوردن نشانه‌های داخلی و خارجی مربوط به سند می‌پردازد، سپس در گام دوم، متن حدیث را و نشانه‌های داخلی و خارجی آن را مدنظر قرار می‌دهد و در پایان به جمع‌بندی می‌پردازد؛ بدین صورت که اگر ضعف سند وجود داشت و قرینه‌های داخلی یا خارجی یافت شده بود، به جبران ضعف سند می‌پردازد، در غیر این صورت حدیث را کنار می‌گذارد. بنابراین، نظام اعتبارسنجی شیخ انصاری از رابطه متن و سند و به‌دست‌آوردن نشانه‌های درون‌متنی و برون‌متنی تشکیل شده است و هیچ‌گاه منحصر در ارزیابی سندی نیست. در موارد متعدد، شیخ انصاری با استفاده از نشانه‌های خارج از متن به جبران ضعف سند پرداخته است؛ از این‌رو ممکن است حدیث مرسلی که مقبولیت قدمایی دارد، اعتباری افزون‌تر از حدیث صحیح‌السندی بیابد که مشهور عالمان از آن اعراض کرده و بدان فتوا نداده‌اند (انصاری، کتاب الطهارة، ۴۷۱/۱؛ طباطبایی، ۱۷۳).

مهمترین ویژگی اعتبارسنجی حدیث در رویکرد شیخ انصاری استفاده از مجموع قرائن و تقویت ظنی و گمان به‌وسیله قرینه‌های مختلف و درنهایت رسیدن به اطمینان است. ایشان با استفاده از مجموع قرینه‌های داخلی و خارجی حدیث و با استفاده از آن‌ها به دنبال رسیدن به اطمینان است (انصاری، رساله فی الوصایا، ۷۹). ایشان بر اساس روش اجتهادی خویش در مواردی بر اثر تراکم ظنون به اطمینان می‌رسد؛ برای نمونه شیخ انصاری در کتاب خمس در اینکه مراد از «ذوی القربی» در آیه خمس، امام معصوم (ع) است به روایت موثق ابن‌بکیر (حر عاملی، ۵۱۰/۹)، مرفوعه و مرسله حمادبن عیسی (کلینی، ۵۳۹/۱) و روایت سلیم (طوسی، تهذیب، ۱۲۶/۴) و تعداد دیگری از روایات استناد می‌کند و ضعف سند در برخی از آن‌ها را به سبب شهرت عملی و اجماع منقول از سید مرتضی و شیخ طوسی و فاضل مقداد و طریحی جبران می‌کند (۲۹۲).

## نتیجه‌گیری

روش‌شناسی در هر علمی سبب انقلابی آموزشی و پژوهشی در آن علم و تحولات مثبت بر پایه داشته‌های قبلی خواهد شد؛ این انقلاب علمی، سنت را بارور و به‌روز و نیازهای فعلی را به‌خوبی برآورده می‌کند. از طرف دیگر بدون تردید، شیخ انصاری از بزرگ‌ترین اساتید صاحب‌سبک در دانش روش اجتهاد و فقهات دینی است؛ از این‌رو کشف روش اجتهادی وی در اعتبارسنجی حدیث بسیار حائز اهمیت است. شیخ انصاری در فرایندی نظام‌مند به ارزیابی حدیث می‌پردازد. از نگاه شیخ انصاری عدم ضعف سند از نظرِ راویان، اتصال، عدم ابهام و مانند آن، تنها راه حجیت حدیث نیست؛ بلکه از نشانه‌های درون‌متنی و



برون متنی در جبران ضعف سند نیز نباید بی بهره ماند. ایشان بین متن، سند و قرینه‌های خارجی همچون عمل مشهور رابطه برقرار می‌کند و با استفاده از ارتباط قرینه‌های مربوط به متن و سند، ضعف سند حدیث را جبران می‌کند. به طور طبیعی، شیخ انصاری در اعتبارسنجی حدیث از بررسی‌های سندی همچون بررسی روایان و تشخیص سند از نظر اتصال یا انفصال و رفع ابهام از سند، ارزیابی را شروع می‌کند، ولی در صورت وجود ضعف در سند آن را کنار نمی‌گذارد؛ بلکه به سراغ ارزیابی متن و قرینه‌های درون متنی و برون متنی به منظور تعدیل یا تقویت نقاط ضعف سند می‌رود.

شیخ انصاری از قرینه‌های درون متنی همچون هماهنگی محتوای حدیث با روح قرآن، سنت و عقل، علو مضمون و پیرایگی آن از الفاظ و محتوای ناشایست، استفاده شایانی می‌برد و نیز از قرینه‌های برون متنی که بر اساس سنجش حدیث با خارج از آن به دست می‌آیند، بسیار استفاده می‌کند. مهمترین نشانه‌های برون متنی عبارت‌اند از: منبع حدیث، نقل بزرگان مورد اعتماد، فراوانی و تکرار محتوای حدیث در کتب متعدد، ذکر روایت با چند سند در یک کتاب، عمل پیشینیان از اصحاب و فقیهان متقدم و مدرسه حدیثی. در این نوشتار سعی شد به نظام اعتبارسنجی حدیثی شیخ انصاری توجه شود و الگوی مناسبی در مباحث حدیث‌شناسی ارائه شود؛ از این رو شایسته است در پژوهش‌های دیگری به شیوه اندیشمندان بزرگی همچون آخوند خراسانی در اعتبارسنجی حدیث پرداخته شود.

## منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
- \_\_\_\_\_، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، احکام الخلل فی الصلاة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، الاجتهاد و التقليد؛ مطرح الانظار، چاپ اول، قم: آل البيت (ع)، بی تا.
- \_\_\_\_\_، رسالة فی التحريم من جهة المصاهرة، چاپ اول، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، رسالة فی الرضاع، چاپ اول، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، رسالة فی الموارث، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، رسالة فی الوصایا، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری،

۱۴۱۵ق.

- \_\_\_\_\_، رسائل فقهیه، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ق.  
\_\_\_\_\_، فرائد الاصول، چاپ پنجم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.  
\_\_\_\_\_، کتاب الخمس، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری،

۱۴۱۵ق.

- \_\_\_\_\_، کتاب الزکاة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.  
\_\_\_\_\_، کتاب الصلاة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.  
\_\_\_\_\_، کتاب الطهارة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری،

۱۴۱۵ق.

- \_\_\_\_\_، کتاب النکاح، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری،

۱۴۱۵ق.

- \_\_\_\_\_، اکبر، پژوهشی در علم رجال، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۶.  
\_\_\_\_\_، حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم: آل البيت (ع)،  
\_\_\_\_\_، ۱۴۰۹ق.

\_\_\_\_\_، حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، اعتبارسنجی احادیث شیعه، چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۹۸.  
\_\_\_\_\_، خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة؛ المکاسب، بی جا: بی نا، بی تا.

\_\_\_\_\_، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، بی جا: بی نا، بی تا.

- \_\_\_\_\_، دیمه کار، محسن و محمد مهدی باقری، «واکاوی شیوه های شیخ انصاری در نقد سند حدیث»، فقه و اصول، ش ۲،  
\_\_\_\_\_، ۱۳۹۵، صص ۸۷ تا ۶۵.

\_\_\_\_\_، سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، چاپ دوم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.

\_\_\_\_\_، شبیری، محمدجواد، اصول الرجال، چاپ اول، نجف: دار البدر، ۱۴۳۹ق.

\_\_\_\_\_، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعاية فی علم الدراية، قم: مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.

- \_\_\_\_\_، شیخ بهائی، محمدبن حسین، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین مع تعلیقات الخواجونی، چاپ اول، مشهد: آستان  
\_\_\_\_\_، قدس، ۱۴۱۴ق.

\_\_\_\_\_، طباطبایی، سیدمحمدکاظم، مبانی حدیث شناسی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۸.

\_\_\_\_\_، طبسی، نجم الدین، آشنایی اجمالی با علم رجال، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، بی تا.

\_\_\_\_\_، طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفة الرجال، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ق.

\_\_\_\_\_، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

\_\_\_\_\_، علم الهدی، علی بن الحسین و دیگران، الانتصار، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، بی‌جا: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

همتیان، هادی، تأثیر متقابل عمل و شخصیت بر یکدیگر از منظر قرآن و حدیث، به‌راهنمایی محمد همتیان، پایان‌نامه سطح سه حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸.

